

تفسیر مقام باغ در شعر سعدی

احمدعلی فرزین

دکتری معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

aafarzin@ut.ac.ir

سید امیر هاشمی زادگان

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران

Hashemi.a@ut.ac.ir

چکیده

«باغ» در فرهنگ و زندگی ایرانی مفهومی بنیادی است؛ ولی امروز به سبب انحطاطی که در سیر تحولات آن به موازات گسترش سلطه جویانه علوم عینی نگر و تسخیر مرجعیت اعتبار توسط آنان رخ داده، دچار سطحی نگری شده و تعبیری چون «فضای سبز» و «محیط زیست» در حرفه‌های طراحی متداول است. باغ، مفهومی مرتبط با درک و آگاهی انسان از نخستین لایه‌های آفرینش خود و جهان است به گونه‌ای که در سیر تحولات فرهنگ فارسی، معنای یک «مقام» را بی‌واسطه تداعی می‌کرده است. حتی امروز، استفاده از ترکیبی چون «باغ کتاب» و یا «باغ موسیقی» به‌منظور اشاره به دارای درخت بودن یا فضای سبز داشتن مجموعه نیست؛ بلکه بار معنایی آن حاکی از این است که باغ نوعی مقام برای «بزرگ و عالی» نشان دادن مجموعه است.

شناخت این «مقام» و عناصر، محیط و روابطی که به سبب تعامل انسان با عالم (طبیعت گزیده) باعث فهمیدن این کیفیت عینی - ذهنی شده، برای رشته‌های کل‌نگری چون معماری منظر پژوهشی ضروری است و می‌تواند به احیا «باغ ایرانی» به جای «فضای سبز» یاری رساند. یکی از منابع ارزشمند و اصیل شناخت مفهوم باغ به‌عنوان یک هنر، سایر هنرهای فرهنگ فارسی - که شعر یکی از برجسته‌ترین نمودهای غنی آن است - می‌باشد؛ چراکه هنرها در سطوح معنایی اشتراک‌های فراوانی دارند و در این بین زبان فارسی مهم‌ترین عامل حفظ هویت و انسجام ایرانیان در سیر تحولات تاریخ بوده است. در همین راستا، این مقاله کوششی برای تفسیر هرمنوتیکی مقام باغ در اشعار سعدی به‌عنوان یکی از قله‌های منظومه شعر فارسی که هم از جهت «توجه به واقعیت‌های اجتماعی» و هم از جهت «توجه به غزلیات عاشقانه و صور جمال» شهره است، می‌باشد. بنابراین پرسش مقاله این است که استفاده از واژه باغ نزد سعدی بیشتر برای توصیف صرف عینیت طبیعت و ظاهر است و یا برای بیان اندیشه‌ها از آن استفاده می‌شود؟ در اشعار او برای بیان چه اندیشه یا وصف چه حالی بیشتر از واژه باغ استفاده شده است؟ و به کدام عناصر باغ برای پرداختن به صحنه‌سازی و فهم معنایی، بیشتر توجه نموده است؟

واژگان کلیدی

مقام باغ، مفهوم باغ، شعر سعدی، نظریه معماری منظر.

مقدمه

بیواسطه را باید شکل دهد. در غیر این صورت استفاده از تعدادی درخت، آب، چمن و یا مصالح، کالبدی است ثابت که هیچ‌گاه در فرهنگ یک سرزمین به یک مقام تبدیل نخواهد شد. استفاده از ترکیب‌هایی چون «باغ کتاب» یا «باغ موسیقی» و یا «باغ نظر»، «باغ حُسن»، «باغ پیروزی» و نظایر آن در ادبیات گذشته و امروز نشان از وجه منظری (عینی-ذهنی) باغ دارد (شیبانی، ۱۳۹۳، فرزین و همکاران، ۱۳۹۴، هانت، ۱۳۹۲، براتی، ۱۳۸۳).

از دوران قاجار به بعد تدریجاً باغ ایرانی جای خود را به پارک و فضای سبز داده‌است. این تقلید از الگوی اروپایی، تجربه کیفیت و منظر باغ ایرانی و آن خاطره جمعی که ایرانیان در شهرها و آبادی‌های خود داشته‌اند را کم‌رنگ کرده‌است. باز یافتن کیفیت‌های این مقام از میان متون نظم و نثر اندیشمندان بزرگ ایرانی کوششی است که در این مقاله از طریق تفسیر مقام باغ از نگاه سعدی پی گرفته می‌شود.

معماری منظر دیدی کل نگر داشته و پدیده‌ها را به صورت عینی-ذهنی آن‌چنان که برای انسان در نسبت با عالم برای او فهمیده می‌شود به رسمیت می‌شمرد. این نگاه، فراتر از الفبا و دستور زبان به دنبال تولید معانی است تا مداخله و طراحی در محیط و عالم را در سایه آگاهی بر این معنی «مدام نوشونده» بنا نهد. بنابراین عنوان‌هایی مانند «محیط زیست» و «فضای سبز» را که علوم جزئی‌نگری - که اعتبار دانش خود را انحصاراً وام‌دار اندیشه دوگانه انگار دکارتی هستند - به باغ نسبت می‌دهند، ناکافی، تقلیل یافته و مانع تولید و فراهم شدن حال خوب انسان امروز می‌داند.

باغ، به‌عنوان یک مفهوم بنیادی که با درک و آگاهی انسان از نخستین لایه‌های آفرینش خود و جهان مرتبط است، مورد توجه معماری منظر است. درخت و یا فضای سبز تنها بخشی از تمامیت معنای باغ به‌عنوان یک مقام شمرده می‌شود که در سایه شکل‌گیری روابطی درهم‌تنیده و هم‌افزا، تجربه یک حالت

پیشینه تحقیق

به‌غیر از شناسایی ویژگی‌های مربوط به علوم طبیعی، بازسازی تاریخی و بررسی شکل و هندسه باغ‌ها، مفهوم باغ‌ها نیز موضوع پژوهش‌های مختلفی قرار گرفته‌است. مینیاتورها، سنگ‌نوشته‌ها، فرش‌ها و سفالینه‌ها، سفرنامه‌ها، زندگی‌نامه‌ها، متون فلسفی، اشعار، حقایق و تجربه‌های درعمل و سینه‌به‌سینه منتقل شده و نظایر آن، هر یک منابع ارزشمندی هستند که در مقالات فوق‌الذکر استفاده شده‌اند. در این بین شعر فارسی به‌عنوان یکی از قدرتمندترین عوامل تاریخی شکل‌دهنده هویت ملت ایران، جایگاه ویژه و غنی برای بازشناسی معانی آنچه روح مدام نوشونده ایرانی می‌توان نام گذاشت دارد (آشوری، ۱۳۹۳، شایگان، ۱۳۹۳). از طرفی به یمن تلاش‌های فراوانی که باعث منسجم و در دسترس بودن این منابع شده‌است، این منابع از اولویت بالایی در دوران انحطاط کنونی برای تفسیر و بازخوانی برخوردار است.

پرسش از «ریشه‌های زبان‌شناسی باغ»، «شناسایی عنصری خاص» مانند آب در اشعار، «شناسایی واژه‌های مشابه» و مربوط به باغ و نظایر آن در میان مقالاتی که از منابع زبان، ادبیات و فرهنگ استفاده کرده‌اند مشاهده می‌شود. ولی در این بین مقالاتی که به‌طور مستقیم «سطحی‌نگری نسبت به مفهوم باغ» را مورد پرسش قرار دهند، به دو گروه تقسیم می‌شوند. دسته اول مقالاتی که به‌طور غیرمستقیم از اشعار استفاده کرده‌اند و دسته دوم مقالاتی که به‌طور مشخص بر روی یکی از شاعران متمرکز شده‌اند. هرچند مفهوم طبیعت از نگاه شاعران به‌طور عمومی موضوع تحقیق‌های بسیاری بوده‌است؛ ولی پرسش مشخص از مفهوم باغ و غفلت زدایی از سطحی‌نگری، فقط در میان اشعار فردوسی،

حافظ و مولانا تاکنون انجام شده است (جدول ۱).

سعدی

جدا از اینکه تاکنون در میان اشعار سعدی پرسش از مفهوم باغ به‌طور اختصاصی انجام نشده‌است، اندیشه سعدی دارای ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که در مورد موضوع این تحقیق بسیار راهگشاست. نخست آنکه «بیشتر شاعران ایران از جمله برجسته‌ترین‌شان (فردوسی، خیام، مولوی و حافظ) عزلت‌گزین بودند. تنها سعدی زندگی اجتماعی پویایی داشت، اهل معاشرت و مردی دنیا دیده بود» (شایگان، ۱۳۹۳: ۸۸).

در اقصای عالم بگشتم بسی به سر بردم ایام با هر کسی تمتع به هر گوشه‌ای یافتم ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتم دوم، شباهت حیرت‌انگیز زبان سعدی در هفتصد سال پیش با زبان امروزی ایرانیان است. «فروغی در این باره می‌گوید: سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن نگفته‌است، بلکه ما پس از هفتصد سال به زبانی که از سعدی آموخته‌ایم سخن می‌گوییم. این خصلت محدود به زبان وی نیست. بلکه در محتوای آثارش هم همین گونه‌است» (همان: ۹۲).

سوم، وجود نوعی زندگی در آثار سعدی است. مانند «دروغ مصلحت‌آمیز به از راستی فتنه‌انگیز» و چهارم، که وجه بسیار متمایزی از سعدی است، مربوط به شرایط زمانی او دانسته می‌شود. او «در پی راهی برای زیستن با هم‌نوعان خود و تعامل با قدرت حاکم است و نانش را به عرق جبین به دست می‌آورد» (همان: ۹۴). در این شرایط او عقل‌گرا و دارای حکمت عملی

جدول ۱. سابقه پژوهش. مأخذ: نگارنده.

نوع ارتباط	عنوان	مؤلف	منبع	توضیحات
غیرمستقیم	باغ، مفهوم نخستین انسان.	جان دیکسون هانت	منظر، تابستان ۹۲، شماره ۲۳.	باغ نقطه شروع منظر؛ رویکرد فلسفی.
	باغ و باغ‌سازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی.	ناصر براتی	باغ نظر، زمستان ۸۳، شماره ۲.	مقایسه پارک با واژگان فارسی مربوط به فضای سبز؛ رویکرد زبان‌شناسی.
	دریچه‌ای به باغ ایرانی: اهمیت پژوهش چندجانبه باغ ایرانی.	لادن اعتضادی	منظر، پاییز ۹۲، شماره ۲۴.	جنبه‌های مختلف مطالعه در مورد باغ ایرانی.
	باغ در مفهوم باغ.	محمد امین میرفندرسکی	هفت شهر، ۱۳۸۰، شماره ۳.	ویژگی‌های کالبدی و معنایی باغ ایرانی.
	صحنه‌پردازی طلوع و غروب در شاهنامه فردوسی. منظر، دیسپلین آینده.	فریدون جنیدی/ سید امیر منصوری	سمینار مقطع دکتری معماری منظر، دانشگاه تهران ۱۳۹۴.	ارتباط دیسپلین منظر با سایر هنرها و مصادیق نگاه عینی/ذهنی.
مستقیم	آوای هستی باغ ایرانی.	مهدی شیبانی و ریحانه مطلبی	هنر و تمدن شرق، ۱۳۹۳، شماره ۶.	باغ یک مقام است و حاصل جان‌بخشی هنرمند از جان خود در آن.
	نگاه مولانا به طبیعت در غزلیات شمس تبریزی.	کاظم دزفولیان و محمد رشیدی	کهن نامه ادب پارسی، پاییز ۹۲.	بررسی کمی عناصر طبیعت در مثنوی. باغ بازاری پرهیاهو که همه اجزای آن در پی هدفی، گرم دادوستد هستند.
	باغ ایرانی بر بنیاد شاهنامه فردوسی.	احمدعلی فرزین	منظر، تابستان ۹۳.	باغ به‌مثابه شهر ایرانی؛ رویکرد ادبی.
	تماشای صحرا (تأملی در زیبایی‌شناسی منظره در شعر حافظ).	سید امیر منصوری	باغ نظر، بهار ۸۳.	تعریف زیبایی در طبیعت با توجه به تفاوت نگاه آیه‌نگر و نگاه نمادپرداز؛ رویکرد ادبی-فلسفی.
	باغ عرفان سهراب	زرین واردی	نشریه ادبیات دانشگاه باهنر، زمستان ۸۴.	باغ، سیر حرکت از یاس، بازکردن گره‌های درونی و نزدیک شدن لحظه‌به‌لحظه به جهان مطلوب.

بوده است.

[...] و عالم بی عمل درخت بی بر و زاهد بی علم خانه بی در. مراد از نزول قرآن تحصیل سیرت خوبست نه ترتیل سورت مکتوب. [...] یکی را گفتند عالم بی عمل به چه ماند؟ گفت به زنبور بی عسل.

زنبور درشت بی مروت را گوی

باری چو عسل نمی‌دهی نیش مز

سعدی در خلق آثار خویش تنها واقعیت‌گرایی را مدنظر داشته و از مطلق‌گرایی نیک و بد می‌پرهیزد. برخلاف زبان نفی‌گرای حافظ که حتی در مدح و ستایش - در عین خیرخواهی - از نیش طنز خود در امان نمی‌دارد، به‌عکس لحن مشوقانه و زبان پندآموز سعدی از نگرش مثبت و آرامش پرامید او نسبت به زمان خود گواهی می‌دهد. سعدی حتی به صراحت غرض خود را از مدح، نصیحت می‌داند (نکو روح، ۱۳۸۹).

مراد سعدی از انشاء زحمت خدمت

نصیحت است به سمع قبول شاهنشاه

بنابراین «زندگی اجتماعی پویا»، «شبهت زیاد شکلی و معنایی

زیانش با امروز»، «رندی و قائل به تولید و نه تقلید بودن» و نهایتاً «عقلگرایی و پراگماتیک بودن» در مقابله با جبر زمان، ویژگی‌های منحصربه‌فرد اوست. سعدی، هنگامی که مغول در قرن هفتم به ایران حمله کرد و اروپا درگیر و دار جنگ‌های صلیبی بود، ۱۰ سال سن داشت. امروز، عصر پیش از حمله مغول و پس از آن، یکی از بدترین ادوار تاریخی ایران به حساب می‌آید (مسجدی و همکاران، ۱۳۹۲ و طباطبایی، ۱۳۹۰، نیازکار، ۱۳۸۹).

آثار سعدی به دو دسته آثار منظوم و آثار منثور تقسیم و به مجموعه آثار منظوم و منثور او کلیات گفته می‌شود. شاهکار آثار منثور او گلستان و شاهکار آثار منظوم او بوستان است. از جهت دیگری آثار سعدی دو وجه دارد، غنایی و اخلاقی. آثار اخلاقی او در گلستان و بوستان، و آثار غنایی او در غزلیات، قطعات دیده می‌شود. بوستان و گلستان دو کتاب مکمل اند (جدول ۲)، گلستان پس از بوستان تألیف شده و با متنی بسیط‌تر واحدهای کوچک آن مستقل اند. گلستان، قصه‌گویی، اندرزها و کلمات قصار را شامل می‌شود و تاریخ‌نگاری ندارد؛ از سنت رایج فاصله گرفته و به امور مربوط به زندگی و منش مخاطبانش می‌پردازد (نیازکار، ۱۳۸۹).

جدول ۲. تفاوت‌های ساختاری بوستان و گلستان. مأخذ: نگارندگان برگرفته از نیازکار، ۸۹.

ردیف	بوستان	گلستان
۱	پند و نصیحت	آزادی بیشتر مردم و توجه به نتیجه به جای پند
۲	اخلاق آرمانی-فردی	اخلاق عملی-اجتماعی
۳	جبر	اومانیسیم و آزادی
۴	شخصیت‌ها منفعل و پندپذیر	شخصیت‌ها فعال
۵	به راحتی می‌توان شخصیت‌ها را دعوت به ساختن شرایطی بهتر و دنیایی زیباتر نمود	به راحتی پند نمی‌پذیرند. در برخی مواقع نیز چنان بی‌پروا عمل نموده که گاه موجبات ندامت خویش را فراهم می‌نمایند
۶	مبتکر و خلاق نبوده و تنها امید به دنیای دیگر و یا نتیجه عمل خویش بسته‌اند	مبتکر و خلاق
۷	اهل ماجراجویی نیستند	اهل ماجراجویی و عمل. آنان خود پایان ماجرا را رقم می‌زنند و خود نیز مجازات شده و یا پاداش می‌یابند
۸	ذکر خاطره‌ها، افسانه‌ها، پند و اندرزها	واکنش واقعی شخصیت‌ها در برابر مواجهه با مسائل گوناگون.

روش‌شناسی

هر اثر ادبی و هنری اگرچه آفریده ذهن یک فرد است، از آن جهت که هر ذهن فردی از یک متن جمعی فرهنگی و تاریخی برمی‌خیزد، به آن تکیه دارد و محدود به آن است، فرآورده یک زندگانی تاریخی و فرهنگی نیز هست. از این رو با هم‌سنجی آنچه در متن آمده و نگریستن به متن همچون یک تمامیت تلاش می‌شود به ناگفته‌ها از خلال گفته‌ها راه یافت. بدین ترتیب ضمن توجه به تاریخیت متن از معنای واژه باغ ابهام‌زدایی می‌شود. در این مسیر، مینا کلیات سعدی است و از آثاری که جهان‌شناسی وی را بررسی کرده‌اند جهت فهم بهتر و چند سویه‌سازی ابیات استفاده شده است. روش به کارگرفته شده در مقاله، در پارادایم تفسیری و راهبرد آن ترکیب دو مرحله‌ای آماری و معناشناسی از نوع ضمنی-تلویحی است. بنابراین معنای صریح و آنچه به‌عنوان مثال در مورد ریشه واژه باغ به شکل بغ به معنی خدا انجام شده است (دهخدا) هدف نیست.

روند تحقیق ابتدا با جست‌وجوی واژه باغ به‌صورت دیجیتال از «سامانه گنجور» و سپس تطبیق و تدقیق آن با کتاب «کلیات سعدی به تصحیح محمدعلی فروغی نشر هرمس» جهت کنترل صحت و همچنین شناسایی پراکندگی و فراوانی ابیات آغاز شده است. سپس بررسی مفهوم حکایت یا شعر، یک‌بار در ارتباط با بیتی که باغ در آن استفاده شده است و بار دیگر با کلیت ساختار اندیشه سعدی از طریق مقایسه با آثار «سعدی‌شناسی» انجام شده است. بنابراین شناسایی رابطه جز و کل در سطح واژه باغ تا شعر به‌صورت «درون‌متنی» و بررسی آن با کل، در سطح اثر و اندیشه سعدی به طریق «برون‌متنی» انجام شده است.

متن سعدی در تقابلی حافظ، متن بسته یا خواننده‌گر است، یعنی معنی و نیت مؤلف آشکار است. باید توجه داشت در بحث

هرمنوتیک ادبی، «موضوع» حداقل شش لحاظ دارد (شمیسا، ۱۳۸۹). بنابراین اگرچه ممکن است شباهت‌هایی در موضوع طبیعت و یا باغ در میان تمام اشعار دیده شود ولی تفسیر لایه‌های دیگر موضوع ادبی از «تم» تا «موتیف» اهمیت دارد که جنبه منحصربه‌فرد دیگری از موضوع را نمایان می‌سازد. در این مقاله تفسیر واژه باغ متمرکز بر موضوع، تم و موتیف است (جدول ۳). بحث تناقض در شعر سعدی و مقایسه انواع آن با نگاه منطق، توسط متخصصان مختلف بررسی شده و نتایج نشان می‌دهد، اندیشه وی دارای تناقض نیست (دادبه، ۱۳۸۹). موتیف آثار سعدی که تناقض‌های ظاهری را مرتفع می‌سازد، می‌توان در حکمت عملی سعدی دانست. سعدی، مدینه فاضله‌ای را که می‌جسته، در بوستان تصویر کرده است. شگفت این‌که در بوستان در عین تعالی و پرگشایی انسان به‌سوی «فردوس برین»، آدم از این «دیر خراب‌آباد» غافل نیست. یعنی جهان آرزو و امید، زمین و جهان عینی و محسوس را از یاد نمی‌برد، بلکه به ما خاطرنشان می‌کند که بهتر ساختن دنیا در توان ماست (یوسفی، ۱۳۸۹).

یافته‌ها

از آنجاکه شاعران، طبیعت را یا به‌عنوان نقشی زیبا و دل‌فریب در شعر خود وصف می‌کنند یا آنکه از عناصر طبیعت در تشبیه و استعاره برای بیان مقصود خود بهره می‌برند (دزفولیان و رشیدی، ۱۳۹۲)؛ در بررسی جز به کل اولیه، با هدف یافتن نگاه سعدی به طبیعت برخی تناقض‌های ظاهری مشاهده می‌شود. درواقع برخی اشعار «توجه به باغ» و برخی دیگر «دوری‌گزینی از باغ» را توصیه می‌کنند.

جدول ۳. شش لحاظ موضوع در هرمنوتیک ادبی. مأخذ: نگارندگان برگرفته از شمیسا، ۱۳۸۹.

ردیف	عنوان وجه متن	تعریف
۱	موضوع ^۱ (سوزه)	موضوع ایده‌ای است که نویسنده، خودآگاه آن را می‌پروراند و اساساً لازم نیست بدان اعتقادی داشته باشد. مثل موضوعاتی که در آن باره انشاء می‌نویسند.
۲	درون مایه ^۲ (تم)	اما تم آن ایده گسترده و بنیادی متن است که در تمام زوایای آن منتشر است. موضوع، فشرده ^۳ و صریح است اما تم، گسترده ^۴ و غیرصریح و ضمنی است. موضوع شاهنامه، تاریخ ایران باستان است اما تم آن احساس غرور و افتخار و مجد و عظمت است. موضوع و تم گاهی به هم نزدیک‌اند، اما همیشه یکی نیستند. در غزلیات سعدی خیلی به هم نزدیک‌اند. در بحث‌های ادبی تم مهم است نه موضوع.
۳	مضمون	موضوع صریح و حرفی است، اما مضمون روایت هنری یا ادبی موضوع است. موضوع در ضمن یک بیان ادبی بیان می‌شود، با تصویری یا با نکته‌ای همراه است. سعدی بیشتر موضوع دارد تا مضمون.
۴	لحن ^۵	تن یا لحن احساسی است که گوینده می‌خواهد منتقل کند.
۵	حالت و احساس ^۶	اما مود یا حالت، آن احساس و تأثیری است که خواننده درمی‌یابد و این دو همیشه یکی نیستند.
۶	موتیف ^۷ یا موضوع مکرر	آن موضوعی است که در کل آثار کسی یا در اثر خاصی تکرار می‌شود و انس با یک اثر یا یک نویسنده عمدتاً منوط به آن است.

شده باشد. هرچند هر دو، کیفیتی از مقام باغ را نمایان می‌سازند ولی در اولی یک کیفیت سرپسته وجود دارد که مربوط به خود باغ است و این مقاله در ادامه به تشریح آنها می‌پردازد و در مورد دوم، مصداقی که باغ در آن واقع شده، خود بازگوکننده یک کیفیت است. بنابراین در دسته اول، یک مفهوم به باغ تشبیه شده است و در دسته دوم یک نوعی از باغ بیان می‌شود. باید در تفسیر مقام باغ، با توجه به کلیت شعر و بیت، نوع ترکیب و کیفیت این مقام شناسایی شود. در دسته سوم متعلقی از باغ قابل‌شناسایی است که از آن برای بیان مفاهیم استفاده شده است. در دسته چهارم باغ موضوع یک فعل قرار گرفته است. در دسته پنجم باغ به صورت منفرد دیده می‌شود که کلیت بیت، نوع استفاده از باغ را نشان می‌دهد. در دسته آخر نیز باغ در مقایسه با مفهوم دیگری، بیان‌کننده یک معناست.

باغ به مثابه فضای آشنا

در بسیاری از اشعار سعدی، باغ به عنوان «فضایی آشنا برای همه» جهت توصیف دنیای مادی به کاررفته است. در واقع باغ مفهومی است از فضاهای آشنا که برخی عناصر، روابط، وقایع و رفتارها (جدول ۵) در آن بین‌الذهانی تر است و به طور مستقیم در کنار باغ به کاررفته‌اند.

برای نمونه در شعر زیر با موضوع فدا شدن برای معشوق و نداشتن هیچ انتظاری از او؛ از آنجاکه واژه نظر معانی مختلف و ظریفی دارد، باغ در فضا سازی این شعر سه نوع می‌تواند در نظر گرفته شود. اول آنکه حداقل دو باغ «تفرج» و باغ «برداشت محصول» می‌توان متصور شد. میوه‌ها فقط برای دیدن است یا فقط با عمق دید (نظر) می‌توان سببی که ظاهراً نیست، دید و یا اشاره به مهلت

برخیز تا تفرج بستان کنیم و باغ
چون دست می‌دهد نفسی موجب فراغ
کاین سیل متفق بکند روزی این درخت
وین باد مختلف بکشد روزی این چراغ

بیا که وقت بهارست تا من و تو به هم
به دیگران بگذاریم باغ و صحرا را
به جای سرو بلند ایستاده بر لب جوی
چرا نظر نکنی یار سروبالا را

بنابراین نیاز به شناسایی پراکندگی و فراوانی واژه باغ در میان آثار برای تشکیل یک نقشه نشانه گذاری جهت امکان استفاده از منابع برون متنی و شناسایی موضوع، تم و موتیف ضروری است. واژه باغ به صورت مستقیم در بوستان ۷ بار، در گلستان ۷ بار، در غزلیات ۷۹ بار و در ترجیع‌بندها، قطعات، تک‌بیت‌ها، قصاید، مراثی و سایر مجموعاً ۲۰ بار یافت شد. از این بین به سبب وزن و برجسته بودن بوستان، گلستان و غزلیات، ۹۳ شعر و حکایت مربوط به این سه دسته بررسی شد.

در «بوستان» استفاده از باغ برای فضا سازی و مطرح کردن موضوع «اخلاق و پند مستقیم»، در «گلستان» برای «وصف یک واقعه تاریخی و مفهوم جهت پند غیرمستقیم» و در «غزلیات» برای «عشق به معشوق» و مسائل مربوط به آن است. در مجموع ۴۸ نوع ترکیب از واژه باغ در ابیات بررسی شده یافت شده که شامل ۶ دسته اصلی است (جدول ۴).

برخی ترکیب‌ها مانند باغ آسمان هم می‌تواند اشاره به باغی باشد که در آسمان واقع است و هم می‌تواند آسمان به یک باغ تشبیه

جدول ۴. انواع ترکیب واژه باغ در ابیات بررسی شده. مأخذ: نگارنده.

دسته اول	دسته دوم	دسته سوم	دسته چهارم	دسته پنجم	دسته ششم
مفهومی به باغ تشبیه شده	نوع باغ بیان شده	متعلقی از باغ بیان شده	فعلی در مورد باغ بیان شده	به صورت منفرد آمده	باغ در مقایسه با فضای دیگر است
باغ زندگی / ۱	باغ رعیت / ۱	زمین باغ / ۲	تماشای باغ / ۲	باغ / ۲۰	باغ و راغ / ۱
باغ وصل / ۳	باغ ریحان / ۱	دیوار باغ / ۳	مطالعه باغ / ۱	باغچه / ۱	باغ و صحرا / ۶
باغ دل / ۲	باغ سلطان / ۱	بالای باغ / ۱	میان باغ گردیدن / ۱	باغستان / ۱	باغ و بوستان / ۴
باغ حسن / ۳	باغ مزین / ۱	قلعه باغ / ۲			باغ و بوستان / ۴
باغ امل / ۱	باغ لالستان / ۱	مالکان باغ / ۱			باغ و دکان / ۱
باغ انس / ۱	باغ تفرج / ۱	طبق باغ / ۱			باغ و لالستان / ۲
باغ پیروزی / ۱	باغ روحانی / ۱	هوای باغ / ۱			
باغ لطافت / ۱	باغ بهشت / ۱	باغبان / ۵			
باغ عشق / ۱	باغ فردوس / ۲	در باغ بهشت / ۱			
باغ ورد / ۱	باغ گل / ۱		۴	۲۲	
باغ تصور / ۱	باغ گل و نسرین / ۱				
باغ عمر / ۱					۱۸
باغ رخسار / ۱					
باغ طبع / ۱					
باغ رضوان / ۱					
۲۰					
۹۳					

جدول ۵. عناصر، روابط، وقایع و رفتارهای به کار رفته برای شرح کیفیتی از مقام باغ. مأخذ: نگارنده.

گیاهان	عناصر	فعل	جانوران	صفت	زمان
سرو، بید، چنار، مثمر، طوبی، چمن، صنوبر، کاج، نسرین، ارغوان، نسترن، گلستان، لاله، شمشاد، سیب، انگور، نار، خار، بنفشه، ریاحین.	دیوار، ملک، ایوان، قصر، بام، خورشید، گلبرگ، ماه، باد، خاک، ابر، چشمه، برگ، نسیم، هوا، غالیه، آسمان صاف، شاخه، جوی، حصار.	شادی، لذت، مشاهده، وصل، تفرج، فراغ، رقص، جولان، لوله، خشنودی، نظر کردن، حظ روحانی، میوه دیدن، خوردن و لمس کردن، مجموع نشستن، بساط افکندن، بیاراییدن، ناله زار، برخاستن از تب سرما.	زاغ، طوطی، طاووس، مار، کرم شب تاب، بلبل، مرغ، سحر، بوتیمار، سیمرغ.	ثمن، جوانی، دماغ، بوی عنبر، بوی یار، نغمه داود، رنگ و بو، سیم اندام، شکر گفتار، مشک بو، سر به فلک کشیده، قد و بالا، صورت زیبا، بوستان روحانی، تابنده، سرو رفتار، صنوبر قامت، شکری، بلند و کوتاه، بلند قامت، تماشایی، باغ و داغ (خنک).	صبح، روزگار، باد نوری، سحر، بهار، خزان، باد خزان، ایام گل.

از ارتباط با بیت قبل و بعد، می توان مشاهده کرد هر سه تفسیر به ترتیب مراد شیخ است و مقصود نهایی، شبیه دیدگاه ملاصدراست. باغ و میوه آن در این جهان تنها با صبر و شکیبایی به دست خواهد آمد. بنابراین همان باغ مثمری توصیف شده است که در فاصله زمانی تا بار نشستن به صورت تفرجگاهی است که صبر و شکیبایی را برای تکامل نهایی و میوه نیاز دارد.

باغ به عنوان فضایی آشنا در کنار راغ و صحرا، به فضای نزدیک و درون آبادی و در مقابل صحرا به عنوان فضای دورتر و خارج از آبادی و تا حدودی بکرتر آورده شده است. باغ، کلیت مفهوم فضایی آشنا، بوستان جنبه مثمر بودن آن و بوستان جنبه عطراگین بودن

دادن برای رسیدن سیب وجود دارد. بنابراین دنیای ماده به باغ تفرجی تشبیه شده است که میوه آن چیدنی نیست و یا اصلاً بدون میوه است و باید آن را تصور کرد و یا باید صبر کرد تا تکامل یافته و میوه دهد.

آن که هلاک من همی خواهد و من سلامتت
هر چه کند ز شاهدی کس نکند ملامتت
میوه نمی دهد به کس باغ تفرجست و بس
جز به نظر نمی رسد سبب درخت قامتت
داروی دل نمی کنم کان که مریض عشق شد
هیچ دوا نیاورد باز به استقامتت

هر کرا بر سِماط بنشستی
واجب آمد به خدمتش برخاست
دیده شکبید ز تماشای باغ
بی گل و نسرين به سر آرد دماغ

که در بحر لؤلؤ صدف نیز هست
درخت بلندست در باغ و پست
الا ای هنرمند پاکیزه خوی
هنرمند نشنیده‌ام عیب جوی
قبا گر حریرست و گر پرنیان
بناچار حشوش بود در میان

درواقع باغ دارای فصول یا دو نوع باغ بیگل و باگل است که البته تلاش در گل دهی باغ است. ولی هنگام نبودن عین گل، باز زیباست و این به زیبایی شکبایی و عمل‌گرایی در هنگام نبود گل در باغ اشاره دارد. باغ کیفیتی است که منفک از واقعیت و به صورت تثبیت‌شده و یا طرح‌ریزی صرفاً هندسی نیست بلکه مستقیماً سیر تکامل تدریجی زحمت، کار و نهایتاً عمل است. این ارزشمندی مقام عمل‌گرایی و اشاره به فقدان آن از دوران حمله مغول شروع شده و پس از دوره صفوی تاکنون در انحطاط است (طباطبایی، ۱۳۹۰) و ردیابی پند در مورد آن را تا شاعران امروزی همچون سپهری می‌توان دید.

اشتری دیدم بارش سبد خالی پند و امثال
عارفی دیدم بارش تمنا یاهو
من قطاری دیدم روشنایی می برد
من قطاری دیدم فقه می برد
و چه سنگین می رفت

باغ به‌مثابه آرامش

همزمانی زندگی سعدی با حمله مغول و تحمیل دردها (جسمی) و رنج‌ها (روحی) باعث شده است سعدی با استفاده از یادآوری لذت (جسمی) و شادی (روحی) که در مفهوم باغ نزد همگان خاطره هست، به توصیف وقایع و پندهای غیرمستقیم بپردازد. ضمن آن که در غزل‌های عاشقانه نیز از این مقام باغ به‌وفور بهره برده است.

نبودی به جز آه بیوه زنی
اگر برشدی دودی از روزنی
چو درویش بی برگ دیدم درخت
قوی بازوان سست و درمانده سخت
نه در کوه سبزی نه در باغ شیخ
ملخ بوستان خورده مردم ملخ

آن است. حواس در باغ به‌صورت ترکیبی نظیر «گفتار شیرین» عنوان‌شده‌اند. باغ از یک باغچه تا شهر را در برمی‌گیرد و در آن علاوه بر عناصر گیاهی، جانوران، پدیده‌های طبیعی و رفتارهای گوناگون ایوان و قصر نیز توصیف می‌شوند. سرو پر تعدادترین عنصر عالی باغ است که تنها به‌صورت محدود درخت طوبی و صنوبر به آن ارجح شمرده شده‌است. زیبایی سرو و رفتارش هم‌تراز زیبایی معشوق، حوری، باغ بهشت و ماه بیان شده‌است. باغ به‌عنوان فضایی آشنا بیشتر متوجه فصل خزان و بهار است و در مجموع بیشتر ابیات از تحرک و هیاهو خبر می‌دهند. باغ عنصری ارزشمند و گرانبها است و هرچند در دسترس همه بوده ولی نوعی نشانه ثروت و دارایی است. صورت زیبا، قد و قامت، جولان، غالیه، آراییدن، نغمه‌سرایی و تغییر جلوه باغ صحنه‌پردازی‌های متداول این فضای آشناست.

باغ حاصل عمل

کیفیت «آشنا بودن باغ» مربوط به تدریجی بودن سیر باغ و گسترده بودن هویت آن در زمان از صحرا تا باغ است؛ از زمین‌های کشاورزی تا باغ‌های تفرج و حکومتی. این سیر تحول، حاصل عمل واقعی انسان‌ها با طبیعت در سیر زندگی ایرانی بوده‌است. در دورانی که مغول حمله کرده‌است انقطاع برون داد عمل و ارتباطش با آزادی باعث جدایی عالم با عمل شده‌است و شیخ را به پند مستقیم و غیرمستقیم واداشته‌است.

بنابراین باغ حاصل یک عمل است. مقایسه این گفته با تفکیکی که هانا آرنه از کار، زحمت و عمل کرده‌است مفهوم را واضح‌تر می‌کند. «زحمت بر حسب توانایی‌اش در حفظ زندگی بشری، برآوردن نیازهای زیستی ما-مصرف و تولید مثل- داوری می‌شود؛ کار بر حسب توانایی‌اش در ساختن و حفظ جهانی که برای استفاده بشر مناسب است و عمل بر حسب توانایی‌اش در منکشف ساختن هویت عامل، تأیید واقعی بودن جهان و به فعلیت رساندن توانایی ما برای آزادی است» (پاسرین دنتروس، ۲۰۰۶: ۳۲).

بنابراین مفهوم باغ اشاره به زحمت و کار ندارد بلکه نوعی آزادی و یک عمل است که شخص متناسب با شرایط، تولید می‌کند. بنابراین به جای ناامیدی از زحمت و کار بی نتیجه‌ای که از نبود اندیشه یا تکرار اندیشه نشأت می‌گیرد، امیدی حاصل از تولید راه‌حل به وجود می‌آید. در چنین کیفیتی است که باغ بدون گل و نسرين نیز باعث شغف است. واقع‌گرایی برای پیش برد اهداف و تکامل، وجود درخت‌های بلند و کوتاه در باغ را امری طبیعی می‌داند و البته به هیچ رو با آرمان‌گرایی و آرزوی قامت سرو و بلندای صنوبر در تناقض نیست.

از بگذار و پادشاهی کن
گردن بی طمع بلند بود

باغ به‌مثابه تماشای کل

«لذت بردن به جمع است، یعنی باید تمرکز داشت. کی خوب می‌بینیم؟ وقتی التفات تام داشته باشیم. هرچه وحدت بیشتر باشد لذت بیشتر است» (دینانی، ۱۳۹۴). در عالم ماده به سبب زمان‌مندی، زیبایی‌ها گسترده است و جمع نیست. یک کتاب جمع است ولی خواندن آن نیاز دارد تا گسترده شود و در طی زمان فهم شود، پس از پایان به یک جمع تبدیل می‌شود و لذت آفرین است؛ اگر جمع نشود لذت ندارد. این سیر جمع شدن در قالب یک کلیت، حاصل انتخاب روابط معنادار از عناصر متکثر است. یکی از کیفیت‌های مقام باغ، جمع بودن و تمرکز است که باعث لذت است. از سویی تماشای باغ در شعر سعدی به معنی با دیگران نگاه کردن است و در این جمع، احساس حضور معشوق یا خدا نیز الزامی است. انتخاب در باغ شامل تکثر است و با تأمل، ارتباط وحدت‌بخش، شناسایی و لذت بردن تأمین می‌شود. تکثر باغ، با تأمل و انتخاب در کنار دیگران قابل جمع شدن و فهم یک کلیت است. در واقع درک کلیت به واسطه دیگران و با دیگران تقویت می‌شود. از این رو جمع بودن یعنی درک کلیت با همراهی و مقایسه در جمع.

هر چه در روی تو گویند به زیبایی هست
و آن چه در چشم تو از شوخی و رعنائی هست
سروها دیدم در باغ و تأمل کردم
قامتی نیست که چون تو به دلارایی هست

باغ فردوسست گلبرگش نخوانم یا بهار
جان شیرینست خورشیدش نگویم یا قمر

بستان بی مشاهده دیدن مجاهدست
ور صد درخت گل‌نشانی به جای یار

بنابراین برای آنکه معشوق را دارای کیفیت جمع بدانند، ماهیت‌های مجزا مثل گلبرگ، بهار، خورشید و قمر را انکار و در یک جمع به باغ فردوس تشبیه می‌کند تا بر جمع بودن مقام او به عنوان یک کلیت تکیه کند. اگر صد درخت گل هم در بستان باشد تا زمانی که از این تکثر امکان انتخاب برای تمرکز نباشد، خالی از لذت است. شمول‌گرایی و تنوع در باغ کیفیت وسیع بودن را نیز هم از جهت مقیاس مادی (شامل تمام عالم به‌غیر از خدا) و هم از جهت مقیاس معنوی (زیبایی و کششی فراوان ولی در مقایسه با خدا ناچیز) الزامی می‌کند.

گویم قمری بود کس از من نپسندد
باغی که به هر شاخ درختش قمری بود [...]

در عالم وصفش به جهانی برسیدم
کاندر نظرم هر دو جهان مختصری بود

طبیعی پری چهره در مرو بود
که در باغ دل قامتش سرو بود
نه از درد دل‌های ریشش خبر
نه از چشم بیمار خویشش خبر
حکایت کند دردمندی غریب
که خوش بود چندی سرم با طیب

باغ به‌مثابه خودآگاهی (منظر)

جان دیکسون هانت سه نوع طبیعت را تفکیک می‌کند. طبیعت دنیای ابتدایی (وحشی و رمزگون)، طبیعتی که امروز به منظر فرهنگی ترجمه می‌شود و حاصل فعالیت غیر خودآگاه مردم در بوم است و طبیعتی که نوعی خودآگاهی و تأمل در آن به‌صورت هنر باغسازی ظاهر می‌شود. وی معتقد است باغ حین اینکه محصول غیر ارادی طبیعت اول و دوم است خود دوباره بیرون رفتن از باغ و کاوش ارادی در آن دو را ایجاد می‌کند (هانت، ۱۳۹۲).

بنابراین باغ پیوندی بنیادی با آگاهی دارد. در شعر سعدی هر سه نوع طبیعت را می‌توان مشاهده کرد. باغ در زمان سعدی موضوع مطالعه و بررسی بوده است. بنابراین یکی از مقام‌های باغ به رسمیت شناختن علل طولی و قابلیت تأمل در عالم با استفاده از عناصر طبیعی و مصنوع است. تفاوت مطالعه سعدی با غرب در این است که آنها ابتدا به شناخت نسبت‌های زیبایی‌شناختی هندسی و عینی پرداخته‌اند ولی در اینجا مطالعه برای تفسیر حالی التفاتی است. برای مثال سازماندهی باغ با دیدی آیه نگر عناصر باغ را مواهبی حامل بوی یار و مایه التفات او ترسیم می‌کند که حتی ستایش صاحب دیوان (عظاملک جوینی) نیز در سیر علل طولی توجیهی آگاهانه دارد که جنبه‌ای از بعد اجتماعی و عمل است.

طبیعت اول:

برخیز تا تفرج بستان کنیم و باغ
چون دست می‌دهد نفسی موجب فراغ

طبیعت دوم:

بستان و باغ ساخته و اندران بسی
ایوان و قصر سر به فلک برکشیده گیر

طبیعت سوم:

تو آن نه‌ای که چو غایب شوی ز دل بروی
تفاوتی نکند قرب دل به بعد مکان

تو گر به رقص نیایی شگفت جانوری
ازین هوا که درخت آمدست در جولان

تو خود مطالعه^۸ باغ و بوستان نکنی
که بوستان بهاری و باغ لالستان

چو نیست راه برون آمدن ز میدانست
ضرورتست چو گوی احتمال چو گانت
به راستی که نخواهم بریدن از تو امید
به دوستی که نخواهم شکست پیمانست [...]]
اگر نه سرو که طوبی برآمدی در باغ
خجل شدی چو بدیدی قد خرامانت

گفته بودی همه زرقند و فریبند و فسوس
سعدی آن نیست ولیکن چو تو فرمایی هست

باغ به سبب نمایش سیر تکاملی که در فصول طی می کند شامل نعمت و سختی است که همگی التفات یار است. ولی آنچه به صورت جوهر نگاه سعدی می توان دید کیفیت خالق بودن باغ و زمینه سازی برای سیر تکامل است و نه عینیت ثابت که در سیر علل طولی نقشی ندارند. این به شدت با مفهوم جمع (فهم یک کلیت) در باغ نیز گره خورده است. باغ مجموعه گل و درخت نیست بلکه کیفیتی بارور و عامل است مانند منظومه کائنات به عنوان چرخ آسمان و نه خورشید به تنهایی. باغ عامل پویایی و حرکت معادل چرخ مه و خورشید عنوان شده است نه محصولات آن یا گل. باغ کیفیتی از جنس انعطاف پذیری، تطبیق پذیری، مدام نوشونده و تولیدکننده دارد.

خورشید و گلت خوانم هم ترک ادب باشد
چرخ مه و خورشیدی باغ گل و نسرنی

بنابراین باغ، وسعت مادی و معنوی عظیمی در ذهن متبادر می کند که تنها خداوند بر آن برتر است و سرگردانی در این وسعت تنها به واسطه جمع بودن عناصر و احساس حضور خدا در قالب یک کلیت به پویایی و سرور تبدیل می شود.

باغ به مثابه آفرینش

واژه باغ به وفور در غزل های سعدی برای بیان مفاهیم و فضا سازی هایی که به تفسیر داستان آفرینش انسان مربوط است استفاده می شود. در این اشعار شرح داستان آفرینش، چگونگی تولد عشق در جان و سختی های عشق با استفاده از فصول و پدیده های پویای باغ همچون باد و بوی ریاحین بیان شده است. وقایع باغ همگی به سبب آیه نگر، خبر و خاطره از یار ارجمند هستند.

«بازی چوگان» برای شرح این دیدگاه که «داروی تلخ از دست یار بهتر از شیرینی دست دیگری است» مطرح می شود. تفسیر سعدی از پیمان روز نخستین آفرینش به گونه ای است که خود را گناه کار نمی داند ولی چون معشوق این را امر کرده آن را پذیرفته و سختی ها و زیبایی های دنیا را در مسیر بازگشت دوباره به معشوق، شیرین می داند. این دیدگاه با تفسیر حافظ مبنی بر توافقی سری بین خداوند و انسان برای برپایی یک بازی در عالم تفاوت هایی نیز دارد (آشوری، ۱۳۹۳). بدین ترتیب تناقضی که در «توجه و رد باغ» و یا «تشویق به صبر» برای بار دادن درختان باغ و از طرفی «عدم امکان شکیبایی» وجود دارد، رفع می شود.

نتیجه گیری

می کنند باغ را شکل می دهد؛ باغی که نوعی مقام و منظر همچون کیفیت های عینی-ذهنی «مادر» یا «وطن» است و در فرهنگ می تواند از طریق ایجاد اشتراک معنایی پیوندهای اجتماعی و هویتی برقرار سازد.

تفسیری که از اشعار سعدی ارائه شد گویای آن است که «باغ»، گل، دار و درخت و بلبل و کاخ و نظایر آن نیست؛ بلکه «باغ» انتخابی از میان این هاست که با تولید رابطه ای خاص، «فضایی آشنا» را تداعی می کند. این آشنایی، واقعیت سیر تدریجی کار، زحمت و «عمل» آن است و اگر فضا تکرار گذشته، غرب و یا الگویی عینی و ثابت باشد بیگانه محسوب می شود. فضایی که مستقل از «فهم واقعی-تاریخی انسان های یک سرزمین» پایه ریزی شود نمی تواند ملزومات سطح زیست تا زندگی را به صورت «لذت بخش و شاد» همچون یک باغ تأمین نماید. تنوع باغ به گونه ای است که وقایع متعدد در آن از طریق «انتخابها» به بازنمایی «آگاهی» از جایگاه انسان در علل طولی و هستی منجر می شود و به لحاظ وسعت بعد مادی و معنوی متبادر کننده شکوه

یافته ها این فرضیه را صورت بندی می نماید که «باغ» در شعر سعدی نه اشاره صرف به یک عینیت بلکه متأثر از فهم مردمان ایرانی اشاره بر یک «مقام» است که حداقل پنج کیفیت «آشنا بودن» (در مقابل بیگانه)، «عمل بودن» (در مقابل زحمت و کار)، «لذت و شادی داشتن» (در مقابل درد و رنج)، «آگاهی داشتن» (در مقابل تعامل ناخودآگاه)، «وسیع و کل بودن (جمع)» (در مقابل حقیر و پخش بودن) و «مولد بودن» (در مقابل محصول) در آن بنیادی شمرده می شود.

درواقع تمامی عناصر مادی که مستقیماً در کنار واژه باغ در نگاه سعدی مطرح است (جدول ۵۴) و بنابراین بین الادهانی ترین، برای توصیف کیفیت های مختلف مقام باغ به کاررفته اند و نه برای اشاره به عینیتی به نام باغ. بنابراین هنگام ملقب کردن مفهوم یا فضایی به باغ و یا استفاده ترکیبی از آن می باید کیفیت های این مقام تأمین شود و صرف تسلط بر اصول هندسی و علوم طبیعی، عناصر عینی طبیعی و مصنوعی باغ نخواهد بود. انتخاب ها و نوع رابطه ای که با هم افزایی، کیفیت های فوق الذکر را تأمین

را در نگاه سعدی متبادر می‌کند که هرچند شامل عناصر متکثر عینی هست ولی آنها نیست. به نظر میرسد آگاهی و شناخت این کیفیت‌ها در دیسپلین منظر می‌تواند به پایان انحطاط باغ به‌عنوان یک معنای بین‌الذهانی کمک نماید و از برخورد با باغ به‌عنوان یک عینیت ثابت و تکراری با عنوان «پارک»، «فضای سبز» و یا «محیطزیست» بکاهد.

فراوان و مفهومی عالی و غرورآفرین است که می‌تواند نظمی ملی را در زندگی جمعی تقویت کند. بنابراین «باغ» از نگاه سعدی «مقامی» است که برای «برانگیختن حالتی در شخص» و یا «منتسب کردن کیفیتی به مفهومی» استفاده می‌شود. این «مقام»، حالت آشنایی، ارتباط واقعی با زندگی، لذت و شادی، آگاهی، وسعت، تمرکز، زیایی، امید و تکامل

پی‌نوشت

Subject .۱

Theme .۲

Condensed .۳

Expanded .۴

Tone .۵

Mood .۶

Motif .۷

۸. مطالعه به معنای نگریستن به هر چیز برای واقف شدن به آن و تامل و تفکر و اندیشه است (دهخدا). ملک را خیال مطالعه جمال لیلی در دل آمد تا چه صورت است که موجب چندین فتنه است (گلستان).

فهرست منابع

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۹). حکمت عملی سعدی. دفتر هشتم سعدی شناسی دانشنامه فارس.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۹۲). معرفت‌شناسی سعدی. متن برنامه معرفت شبکه چهار سیما.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۹۴). ارتباط فرهنگ تاریخ و زمان. متن برنامه معرفت شبکه چهار سیما.
- آشوری، داریوش. (۱۳۹۳). عرفان و زندگی در شعر حافظ. نشر مرکز.
- براتی، ناصر. (۱۳۸۳). باغ و باغسازی در فرهنگ ایرانی و زبان فارسی. باغ نظر، ۲.
- پاسرین دنتروس، ماوریتسیو. (۲۰۰۶). ترجمه: مریم خدادای (۱۳۹۳). هانا آرنه. دانشنامه فلسفه استنفورد، تهران: ققنوس.
- دادبه، اصغر. (۱۳۸۹). حکایت تناقض‌گویی‌های سعدی. دفتر ششم سعدی شناسی دانشنامه فارس.
- دزفولیان، کاظم و رشیدی، محمد. (۱۳۹۲). نگاه مولانا به طبیعت در غزلیات شمس تبریزی. کهن نامه ادب پارسی، پاییز ۹۲.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۳). پنج اقلیم حضور (بحثی درباره شاعرانگی ایرانیان). نشر فرهنگ معاصر.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). سعدی و نیت مؤلف (بحثی در هرمنوتیک). دفتر سوم سعدی شناسی دانشنامه فارس.
- شیبانی، مهدی و مطلبی، ریحانه. (۱۳۹۳). آوای هستی باغ ایرانی. هنر و تمدن شرق، ۶.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۹۰). جدال قدیم و جدید، نشر ثالث.
- فرزین، احمد علی و دیگران. (۱۳۹۴). ارتباط معماری منظر و سایر دیسپلین‌ها. سمینار دوره دکتری معماری منظر دانشگاه تهران.
- مسجدی، حسین؛ موسوی جروکانی، حامد و توکلی مقدم، صفیه. (۱۳۹۲). فرایند اخلاقی شدن جامعه از نگاه سعدی. پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، .
- مصلح‌الدین سعدی به تصحیح محمدعلی فروغی (۱۳۸۵). کلیات سعدی (گلستان، بوستان، غزلیات، دیوان، رساله منثور)، انتشارات هرمس.
- نکو روح، حسن. (۱۳۸۹). تفاوت جهان‌بینی سعدی و حافظ. گنجینه سخنرانی فرهنگی، ادبی و هنری رادیو صدا.
- نیازکار، فرح. (۱۳۸۹). نگاهی گذرا بر انسان در بوستان و گلستان. دفتر پنجم سعدی شناسی دانشنامه فارس.
- هانت، جان دیکسون. (۱۳۹۲). باغ مفهوم نخستین انسان. منظر، ۲۳.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۹). جهان مطلوب سعدی در بوستان. دفتر سیزدهم سعدی شناسی دانشنامه فارس.